

بحران ناتمام اوکراین

نظر باینکه در سالهای اخیر حوادث و تحولات شومی را در کشور اوکراین مشاهده می کنیم شکی نیست که این وقایع شوم زاینده زیاده خواهیها و چپاول بی حد و حصر امپریالیسم خون اشام امریکا و نوکرهای دست پرورده اروپا بی اوست!! گفتنی است در انقلاب سال 2014 کیف موسوم به "یورو میدان" ابتدا فریاد این مردم مظلوم و ستمدیده تنها و تنها رسیدن به یک حکومتی دموکراتیک و عاری از هر گونه فساد دولتی و بوروکراسی فاسد که زیر چنگال الیگارشیهای داخلی به سرکردگی حکومت استبدادی ویکتور یانکوویچ از یکسو و امپریالیسم ضد انسان غرب از سوی دیگر بود منتهی میگشت! خواسته آنها رسیدن به حد اقل امکانات یعنی رفاه اجتماعی، بیمه های معتبر درمانی و اشتغال زایی داخلی از بین بردن فساد دستگاههای آموزشی و اداری که مانع مهاجرت آنها و ترک سرزمینشان باشد بود!

اینجانب پاره ای از مشاهدات خود را که تا حدی پرده از واقعیات و تحولات دراز مدت درون این کشور بحران زده بر میاندازدرا خدمت شما باز خواهم کرد

تلاش برای رسیدن به یک حکومت آزاد ، غیر وابسته، دموکراتیک و بدون وابستگی به غرب از ابتدای امر مد نظر ملت اوکراین بود که البته در این میان گروههای چپ کشور همواره در کنار مردم قرار داشتند. اعلام رد امضای پیمان تجاری با اتحادیه اروپا از سوی دولت ویکتور یانکوویچ تنها یک جرقه بمظور نشان دادن خشم و در نهایت تجمعات اعتراض امیز بود!! زیرا اغلب مردم اوکراین تحولات کشورهای هم چون یونان را می دیدند که چگونه نشانگر آن است که اتحادیه اروپا دایه دلسوزتر از مادر نیست!! بسیاری از مردم میدانستند که پس از پیوستن لهستان به اتحادیه اروپا چگونه در عرض چند سال بیش از یک میلیون لهستانی تنها به انگلستان بمنظور پیدا کردن شغل مهاجرت نمودند! و آن کشور دینامیک و نسبتا پهناور و غنی حال باید وابسته به تزریق پولهای بدست آمده کارگزارانش از اقصا نقاط اروپا بداخل کشور باشد!! اما با رشد غده های سرطانی نوکران امپریالیسم که همان صورت سوخته های مظلوم نما(یوشنکو) ، فرشته نماهای زیبا مو(یولیا تموشنکو) و مشتزنان قلدر(ویتالی کلیچکو) با برنامه ریزیهای قبلی و سرمایه گذاری میلیارد دلاری امریکا کمر به نابودی این حرکت نمودند و بخش عظیمی از نسل جوان ساده لوح تازه از پوسته قدیمی بیرون آمده از سیستم سوسیال امپریال شوروی سابق را به بیراهه کشاندند و با وعده های بوچ و تو خالیشان مردم را فریب دادند! همه اهداف آنان که همانا فرستادن جوانان تازه رشد پیدا کرده به کشورهای غربی از جمله امریکا بمنظور بردگی بود که از سود بدست آمده از تجارت برده و روسپی برای خودشان کاخهای مجلل در نقاط مختلف جهان بنا کرده و به تعداد صفر های حسابهای بانکی شان روز به روز افزوده گردد!

اینجانب هنگام تحصیل در یکی از دانشگاه‌های اقتصاد و حقوق شهر کیف خود به عینه دیدم که چگونه رؤسای دست‌نشانده دانشگاه‌ها استادان و پروفیسورهای زوار در رفته امریکایی را به بهانه سمینارها و جلسات علمی به دانشگاه‌ها دعوت کرده و چگونه فرش قرمز را پیش پای آنها پهن می‌نمودند و آنها نیز با مشتی هجویات و دروغ پراکنیهای غیر واقعی افکار دانشجویان و اساتید را بسمت ساختار جوامع غرب بدین معنا که مدینه فاضله انجاست معطوف می‌نمودند و اندیشمندانی همچون کارل مارکس را انسانهایی شکست خورده و به زباله دان تاریخ رفته معرفی می‌کردند و بنای ارجعیت منابع علمی بیرون آمده از سیستم سرمایه داری را در تار و پود دانشگاه‌ها پایه گذاری می‌کردند که در واقع تداوم راه همان استاد پوشالیشان فرانسیس فوکویاما بود! آیا ان به اصطلاح اساتید و پرفسور به چه میزان تحصیلات اکادمیک و دانشگاهی داشته باشند خود جای تردید دارد!

باید می‌دیدید که چگونه برای آنها تاریخ سازی کرده و مردم کشور را فرزندان دور افتاده از دامان مادر خویش یعنی اروپا و امریکاجلوه داده و اهداف کثیف این سیستم ضد انسان را با بر چسب جدیدی به خورد توده جوان کشور میدادند!

از سوی دیگر حزب مافیایی ویکتور یانکویچ که جای جبران ضربات مهلک ناشی از انقلاب نارنجی به مردم کشور که تنها نتیجه اش صدور کارگر ارزان قیمت و دختران بخت برگشته کشور بمنظور روسپی گری به اروپا و امریکا بود دردی از مردم دوا کنند همانند دزدهای سر گردنه فقط بفکر چپاول کردن مردم و سرازیر کردن ان بسمت همسایه و برادر بزرگتر شرقیشان بودند!

در این گیر دار اشوب زده که در داخل کشور در حال رقم خوردن بود نوکران امپریالیسم غرب وقت را غنیمت شمردند و شروع به سرکوب اخزاب چپ کشور نمودند که در راس آنها حزب کمونیست اوکراین بود! آنها با قساوت و بیرحمی تمام کمر به ضرب و شتم و همچنین دستگیری اعضای حزب بسته و آنها را از هستی ساقط کردند! بطوری که تمام دفاتر و مرکز انتشاراتی و تشکیلاتی آنها توسط دولت دست نشانده فاشیستی بسته و مهر موم شد! تمام اعضا متواری شده و خود را در نقاط مختلف کشور مخفی کرده و تا به امروز نیز بطور مخفیانه زندگی را سر میکنند! افرادی که با خط مشی جدای از کمونیستهای قلابی دوران گذشته اغلب از تحصیل کردگان برجسته جامعه، شاگرد اول های دانشگاهها و از پیشتازان درجه یک انجمنهای خیریه هستند. مجریان اصلی این سرکوبهای غیر انسانی اعضای حزب فاشیستی "ازادی" به روسی (Свобода) و رهبر پلیدشان "اولگ تیاگنیبوگ" بود که مستقیماً از سوی سازمان سیا تعذیه میشدند! نماینده جنایتکار و ضد انسان خود یعنی "جان مکین" را که شناخته شده در نزد تمامی نیروهای چپ میباشد را در گیر و دار واقعه یور و میدان به جهت انجام عهد و پیمان نزد ایشان فرستاد نند (تصویر پایین)



لوگوی حزب آزادی به همراه تصویر اولگ نیاگنیبوگ



شایان ذکر است که خط مش و ایده های سیاسی اجتماعی این حزب فاشیستی تداوم راه رهبر کاریزما و جنایتکارشان "استفان باندار" (تصویر پایین) میباشد که در در زمان جنگ جهانی دوم با یاری و مدد نازیها دست به قتل عام هزاران مرد، زن و کودک یهودی اوکراینی و لهستانی زد!



استفان باندار (نفر میانی) در لباس نظامیان واحد ورماخت ارتش آلمان نازی (تصویر پایین)

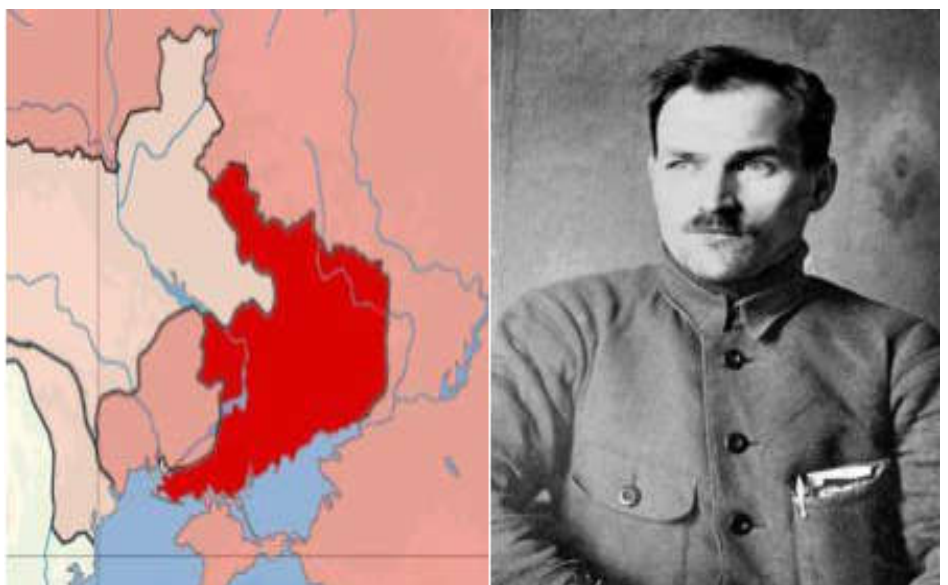


ان فرشته مو طلایی (یولا تموشنکو) از زندان دیو گریخته در اپریل سال 2014 این وقایع را نمی دید که انطور در میدان مرکزی شهر کیف برای ملت اشک تمساح می ریزخت؟ کسی که با اختلاص افتضاحش تمام پول و سرمایه ملت را به جیب بورژوازی نوین سرازیر کرد! و مدام دم از دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر می زد؟ حال با این اوصاف اسفناک کشور به چه سویی می رود؟! این حاصل خودخواهیها و خوگامگیهای دولت گذشته ویکتور یانکوویچ است که دست در دست مردم و گروههای چپ نداد! به آنها تیر اندازی کرد! و به بدست امپریالیسم بهانه داد و در نهایت با خفت میدان را بسود مشتی و وطن فروش از خودش بدتر رها کرد و کل کشور را در استانه یک جنگ خونین تمام عیار داخلی برد!

در اواخر سال 2014 تا به امروز در داخل کشور وقایع مختلفی در شرف روی دادن است که حال رنگ روی دیگری را بخود گرفته است. جنبش آزادی بخش دانباس که در حال تلاشی مستمر بمنظور مبارزه برای کسب آزادی از قید این حکوت فاشیستی خودفروخته کیف بود این روزها محور اصلی مسائل مربوط به بحران اوکراین است. اما فارغ از تمام ابعاد سیاسی این بحران منطقه شرق که بیشتر مجادلات سیاسی بین امپریالیسم غرب و فدراسیون روسیه را بخود رقم می زند مهمتر از آن این است که به هیچ عنوان نباید دلیل اصلی این جنگ را نادیده گرفت که همانا جنبه اقتصادی قضیه است! چرا؟ به این دلیل که هسته مرکزی اختلافات بر سر یک میدان عظیم گازی در زیر ایالت دونتسک خصوصا منطقه شهری موسوم به "اسلاویانسک" و توابع آن است که در حال حاضر منطقه اصلی درگیریهاست! آیا کسی از خود می پرسد که ابعاد گسترده مربوط به این موضوع چه چیزی است؟؟ آیا کسی از خود می پرسد که علاوه بر مسئله عضویت اوکراین در ناتو که از دلایل مهم مبارزه جنبش دانباس بر علیه دولت مرکزی است به دلیل اینکه خواستار آن نیستند که آن منطقه محل چریدن و غارت مشتی فاشیست جنایتکار و پایگاههای ناتو بمنظور تجاوز به خاک روسیه باشد همچنین این سوال گردن کلفت نیز سر بلند میکند که درآمد حاصل از استخراج این میدان عظیم گازی به جیب چه کسانی می رود؟ در مجموع چه کسانی گردانندگان چرخ صنعت منطقه دانباس خواهند بود؟ اینجانب مواردی را که به گفته تنی چند از اهالی منطقه دونتسک است که البته از بنده خواستند نامشان فاش نشود را به عرضتان می رسانم بگفته این اشخاص صحبت بر سر یک رقابت عظیم بمنظور در دست گرفتن اهرم اقتصاد گازی منطقه فیما بین کمپانیهای انگلیسی و امریکایی که در راس آنها کمپانیهای شورون و شل قرار دارند و گویا تا به امروز شل مناقصه را برنده شده و از سوی دیگر گازپروم روسیه است! صحبت بر سر غارتگری دزدی! و چپاول است! مثل همیشه و در همه جای جهان در کل تاریخ از سوی امپریالیزم امریکا! هدف بر سر اشغال اوکراین و به یغما بردن منابع زیر زمینی منطقه دانباس است! در این میان کاملا بدیهی است که فدراسیون روسیه علاوه بر اینکه خواستار آن نیست که مرزهای ناتو به حریم کشورش نزدیکتر شود این مسئله هم وجود دارد که پس از آن روسیه دیگر از فروشندگان گاز به اروپا نخواهد بود! و این یعنی از دست دادن یک درآمد عظیم حاصل از صادرات گاز!! شاید امضا پیمان فروش گاز به چین برای یک دوره بلند مدت حاکی از همین موضوع باشد ((اینجانب به سهم خود در خصوص این موضع گیری روسیه نیز تا حدی اعراض دارم)) پس از آن نوبت معادن عظیم

ذغالسنگ و صنعت فولاد سازی موسوم به شاختر است! ایا این خود فروختگان صدای امریکا و بی بی سی خبر از این دارند که دستشانداگان دولت کیف که در راس ان ریس جمهور شکلات ساز(پیتر پراشنکو) قرار دارد این قول را به اتحادیه اروپا داده اند که پس از عضویت اکراین در شورای همکاری اتحادیه اروپا درب تمام این معادن و کارخانجات تولید فولاد بسته خواهد شد؟؟!!! در این میان تکلیف هزاران کارگر منطقه دانباس چه میشود؟؟؟ مسلما اهمیتی ندارد چون پس از ان تولیدات المان و فرانسه ور شکسته و حتی خود امریکا جایگزین خواهند شد! مردم دانباس نمی خواهند به اروپا و امریکا کارگر ارزان قیمت و روسپی صادر کنند! این حضرات که انگ جدایی طلبی و تروریست به انها میچسبانند باید مطلع گردند که از همان شروع مخاضمه از سوی دولت مرکزی به منطقه ارتش آزادی بخش مشغول خارج کردن کودکان و افراد کهنسال و بیماران از شهر اسلاویانسک به شهرهای مجاور خصوصا شهر خارکف بود که مبادا گزندى به انان ازسوی حملات هوایی و زمینی دولت فاشیستی وارد شود. همین ملت در یک انتخابات کاملا دموکراتیک امادگی خود را برای استقلال و جدایی از دولت فاشیستی اعلام کردند! همه وهمه حتی کودکان! نه مانند انتخابات ریاست جمهوری دولت مرکزی که چیزی جز سیرک نبود! تنها کمتر از ده درصد از مردم غرب در انتخابات شرکت کردند انوقت این آقای شکلات فروش با اختلاف بسیار زیاد از سایر رقبا از که 60% کل آرا به خود اختصاص میداد بیروز میدان گردید ، دلکهای متقلب!

در اینجا با الجبار کمی به تاریخ رجوع میکنم جمهوری دانباس قبل از انقلاب اکتبر همانند کریمه بخشی از خاک امپراطوری روسیه بوده است و بعد از انقلاب هم در سال بطور رسمی با مرز و محدوده ای مشخص (نقشه ذیل محدوده قرمز رنگ) که شامل ایالتهای دونتسک، لوگانسک، دنیپر پتروفسک، زاپاروژییه، خارکف، قسمتهای وسیعی از ایالتهای سومی، میکالیف، خرسون، و روستوف با مرکزیت شهر خارکف که کاملا مناطق روسی زبان بوده اند وهستند اعلام موجودیت کرد ونماینده کمون محلی ان هم شخصی بنام " تئودور اندروویچ سرگیف" با نام مستعار " تاواریش آرتیمArteom (تصویر پایین) از انقلابیون بلشویک بود!



همچنین در اینجا به گوشه ای از اعلامیه رسمی کمیساریای خلق بمنظور اعلام تاسیس جمهوری خود مختار دانباس در فوریه سال 1918 که اشاره به اعضای تشکیل دهنده آن که در صدرشان نام تاواریش ارتیم قرار دارد در ذیل مشخص گردیده است



معهدا پس از پایان جنگ دوم جهانی و گذار از دوران انقلاب صنعتی شوروی پس از مرگ استالین بنا به دلایلی که مشخص نبود چه بوده اند این جمهوری توسط سردمداران الیگارشی شوروی همانند کریمه به خاک اکراین ملحق گردید!! بدون هیچ رفاندومی از سوی مردم جمهوری دانباس در آن زمان! اما تاریخ را که نمی توان منکر شد! بزور که نمی توان مردم شرق کشور را اکراینیزه کرد! با تمام این اوصاف اگر یک حکومت دموکراتیک ملی و مستقل که عاری از هر گونه الیگارشی و فاشیست بر سر کار قرار داشت قطعا مردم دانباس اتحاد خود را با مناطق غربی حفظ میکردند حال دستگهای خبر پراکنی غرب حرف احترام به قانون اساسی کشور را به میان آورده اند بدین معنا که تمامیت ارضی یک کشور باید توسط ملت آن کشور به رسمیت شناخته شود! یعنی در این میان حرفها و خواسته جمعی یک ملت واحد یعنی هیچ و پوچ یا بقول معروف باد هوا!

از همام ابتدای شروع درگیری ها دولت ایالات متحده در زمان باراک اوباما نزدیک به شش میلیارد دلار بمنظور سرنگونی دولت ویکتور یانکوویچ خرج کرد! شش میلیارد دلار دسترنج کارگران امریکا! دلارهای نفتی مردم عراق! چطور همین ایالات متحده که این روزها ابوزیسونهای طرفدار امپریالیسم غرب و سایر خودفروخته ها سنگش را به سینه میزنند در یازدهم سپتامبر سال 1973 همین اقدام را در قبال سرنگونی حکومت قانونی سالوادور انده در شیلی و روی کار آوردن ان پینوشه جنایتکار انجام داد را نمی بینند!! چه کسانی کودتای بیست و هشت مرداد را در همان سزمین خودتان ایران برپا کردن؟ داستان رسوایی واترگیت چه بود؟! و بسیاری از نمونه های دیگر در طول تاریخ صد و ده سال گذشته جهان! ،انقلاب نارنجی لیبرالیسم غرب که منجر به قدرت گیری ویکتور یوشنکو گشت چه دستاوردی برای مردم اوکراین داشت؟ جز اینکه او همراه با یولیا تموشنکو سازنده معروف فیلمهای پورنو کشور را تا گلو در لجنزار بدهیهای خارجی غرق کردند!

در حال حاضر که چهار سال از او رویداد یورو میدان میگذرد دولت جدید نه تنها ذره ای قدم در راه اصلاحات کشور بر نداشته بلکه فساد دولتی و رشوه خواری و فعالیت شبکه های مافیایی به منتها الیه خود رسیده است! انهایی که مدعی بودند پس از بدست گیری قدرت و کنترل بر زمام امور کشور اوضاع را سرو سامان داده و قدم در راه الحاق به اتحادیه اروپا خواهند برداشت، هیچگونه اقدامی را در این خصوص انجام نداده اند تنها و تنها همانند سردمداران قبلی به فکر پر کردن جیب خود هستند!

از آن طرف هم که متاسفانه باید گفت جنبش آزادی بخش دانباس همچننین به بسیاری از وعده های خود در قبال برآورد نمودن خواسته های خلق دانباس جامه عمل نپوشانده است که البته گفتن اینکه که یاری نرساندن دوست و برادر بزرگوار همسایه (روسیه) نیز شامل حال آنها نگردیده است خالی از لطف نیست! معهذرا در مقایسه با اوضاع و احوال مردم غرب کشور که در جهانی تازه فرو افتاده اند بطور قطع دارای وضعیت بهتری میباشند! بدلیل اینکه در حال حاضر بیشتر از هفتاد درصد جوانان متخضض و غیر متخضض کشور در بیکاری مطلق بسر برده و بخش کثیری از آنها جهت کار و کسب درآمد به کشور همسایه غربی یعنی لهستان مهاجرت میکنند که البته با چه شرایط و خیمی در آنجا مشغول به کار می شوند خود جای بحث دارد! در این میان به جرات می توان بیان کرد که چرخهای اقتصاد کشور متوقف شده است! تولید و توزیع داخلی به کمترین میزان خود رسیده است و تنها شریک تجاری و اصلی کشور که همانا فدراسیون روسیه بود این کشور را به حال خود رها کرده است! مافیای ریزو درشت در حال چپاول سرمایه ها و منابع کشور هستند! الیگارشلی مالی حال رنگ و روپی تازه بخود گرفته است مضاف بر اینکه از کمکهای مالی اتحادیه اروپا به خزانه دولتی کشور دز جهت انجام اصلاحات داخلی و بنیان زیر ساختهای نو بمنظور آماده سازی کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا دیگر هیچ خبری نیست!

رک کلام، خلاصه و بدون لفافه چینی پاسخ اصلی این است که کشور فعلی اوکراین بدون مالکیت شبهه جزیره کریمه و ایالتهای کلیدی لوگانسک و دونتسک برای امپریالیسم اروپا و امریکا ذره ای ارزش نداشته و مورد نیاز نمیباشد و همچون شیرینی زخمی و بی یال و کوپال است! این همان خواسته فدراسیون روسیه است که دوباره کشور را جذب خود کرده و همانند گذشته یعنی دوران پس از فروپاشی فاصله مرزها با ناتورا به حداکثر ممکن برساند و رابطه پدر و پسر را حفظ کند! در این میان مجری و سردمدار اصلی این وقوایع آقای ولادمیر پوتین رهبر فعلی روسیه است اما بطور قطع و با توجه به سوابق گذشته دست درازی و زیاده خواهی های امپریالیسم غرب کاملا واضح و مبرهن میباشد که نه فقط آقای ولادمیر پوتین بلکه هیچ رهبر دیگری در کشور فدراسیون روسیه اوکراین عضو ناتو را نخواهد پذیرفت و همواره عزم خود را جذب نموده و از وقوع این امر جلوگیری خواهد نمود.

